



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Committing Crimes against the Physical Health of Refugee Women

Zahra Ansarifar¹, Samira Golkhandan^{1*}, Akbar Rajabi¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, College of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Refugee women are exposed to serious risks by fleeing their country in search of security and a better life. Some of these risks include gender discrimination, sexual violence and domestic violence. These crimes against refugee women show violations of human rights and international laws. The purpose of this research is to investigate the commission of crimes against refugee women and also to explain the origins and factors affecting these crimes. The final goal of this research is to provide recommendations and solutions to deal with these crimes and support refugee women.

Method: To achieve these goals, content analysis and case studies will be used in this research. At first, the sources related to the topic under investigation are collected and analyzed. Finally, a detailed analysis of the obtained results is done. In this regard, this article has researched and examined the issue by using the descriptive-analytical method and using library resources.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: With a detailed analysis of related information and sources, the following findings can be examined: Violation of human rights: Crimes against refugee women show violations of human rights and international laws in the field of women's rights. Lack of legal protection Some refugee women face more problems and risks due to discrimination and lack of legal protection.

Conclusion: Committing crimes against refugee women shows serious challenges in human rights and women's rights. To deal with these crimes, it is necessary to pay more attention to legal protection and security measures for refugee women. Also, it is important to educate and increase the awareness of the society about women's rights and issues related to asylum.

Keywords: Crimes; Physical Integrity; Refugee Women

Corresponding Author: Samira Golkhandan; **Email:** Smira.Golkhandan@iau.ac.ir

Received: August 29, 2023; **Accepted:** December 20, 2023; **Published Online:** February 25, 2024

Please cite this article as:

Ansarifar Z, Golkhandan S, Rajabi A. Committing Crimes against the Physical Health of Refugee Women. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e59.



مجله حقوق پزشکی

دوره هفدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۲

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

ارتکاب جرائم علیه سلامت جسمانی زنان پناهجو

زهرا انصاری فر^۱، سمیرا گل خندان^{۱*}، اکبر رجبی^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: با فرار از کشور خود به دنبال حفظ امنیت و زندگی بهتر، زنان پناهجو در معرض خطرات جدی قرار می‌گیرند. برخی از این خطرات شامل تبعیض جنسی، خشونت جنسی و خشونت خانگی هستند. این جرائم علیه زنان پناهجو نشان از نقض حقوق بشر و قوانین بین‌المللی دارند. هدف این پژوهش، بررسی ارتکاب جرائم علیه زنان پناهجو است و نیز تشریح ریشه‌ها و عوامل مؤثر در این جرائم را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف نهایی این پژوهش، ارائه توصیه‌ها و راهکارهایی برای مقابله با این جرائم و حمایت از زنان پناهجو است.

روش: برای دستیابی به این اهداف، در این پژوهش از روش تحلیل محتوا و مطالعات موردی استفاده خواهد شد در ابتدا، منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در نهایت، تحلیل دقیقی از نتایج به دست‌آمده انجام می‌شود. در این راستا مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به تحقیق و بررسی موضوع پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: با تحلیل دقیق اطلاعات و منابع مرتبط، می‌توان یافته‌های زیر را بررسی کرد: ۱- نقض حقوق بشر: جرائم علیه زنان پناهجو نشان از نقض حقوق بشر و قوانین بین‌المللی در زمینه حقوق زنان دارند؛ ۲- فقدان حمایت قانونی: برخی زنان پناهجو به دلیل تبعیض و عدم حمایت قانونی، با مشکلات و خطرات بیشتری رو به رو می‌شوند.

نتیجه‌گیری: ارتکاب جرائم علیه زنان پناهجو نشان از چالش‌های جدی در حقوق بشر و حقوق زنان دارد. برای مقابله با این جرائم، لازم است توجه بیشتری به حمایت قانونی و تدابیر امنیتی برای زنان پناهجو صورت گیرد. همچنین آموزش و افزایش آگاهی جامعه درباره حقوق زنان و مسائل مرتبط با پناهندگی نیز اهمیت دارد.

واژگان کلیدی: جرائم؛ تمامیت جسمانی؛ زنان پناهجو

نویسنده مسئول: سمیرا گل خندان؛ پست الکترونیک: Smira.Golkhandan@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Ansarifar Z, Golkhandan S, Rajabi A. Committing Crimes against the Physical Health of Refugee Women. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e59.

مقدمه

زنان پناهجو در موقعیت‌های بسیارضعیفی قرار دارند و به همین دلیل بهترین گزینه برای «آماج جرم» می‌باشند. مجموعه اقدامات بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم در حوزه پناهندگان و پناهجویان نیز به منظور حفاظت از آن‌ها در قبال رفتارهای مجرمانه بوده است. در سال ۱۹۵۱، «دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان» در کنوانسیون ژنو به منظور کمک به تعداد زیادی از پناهندگان تأسیس شد. هدف اولیه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و پروتکل متعاقب آن در سال ۱۹۶۷ مربوط به وضعیت پناهندگان، ایجاد چارچوب بین‌المللی قابل قبول و قابل تشخیص برای تعریف پناهنده و رفتار متعاقب آن توسط جامعه بین‌المللی بود (۱).

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل دو وظیفه اصلی دارد: ۱- تأمین پناهندگان از حمایت بین‌المللی و به درخواست دولت میزبان؛ ۲- کمک به آن‌ها در جهت رسیدن به راه حل‌های پایدار برای آن‌ها. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در اجرای مأموریت خود در زمینه حمایت بین‌المللی از پناهندگان، دولت‌ها را تشویق می‌کند که به کنوانسیون و اسناد بین‌المللی مربوط به پناهندگان پایبند باشند. این موارد عبارتند از: تضمین امنیت فیزیکی و رفاه پناهندگان، ایجاد تدابیر امنیتی در برابر بازگشت اجباری پناهندگان به کشوری که در آن ترس از آزار و اذیت انتشار قوانین بین‌المللی پناهندگان و رفتار قانونی با پناهندگان تا جایی که ممکن است مانند اتباع کشور پناهجو باشد (۲). علیرغم سازوکارهای بین‌المللی که به دنبال تضمین برابری رفتار با همه پناهندگان است، اکثر پناهندگان که بیشتر آن‌ها زنان و کودکان هستند، همیشه در معرض ارتکاب جرم قرار دارند. در این بین وضعیت پناهجویی یک وضعیت غیر رسمی است، زیرا کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ آن، تعریف رسمی از پناهجو ارائه نداده است و این موضوع باعث می‌شود تا پناهجویان بیشتر در معرض ارتکاب جرم باشند (۳). زمانی که یک زن در وضعیت پناهجویی قرار می‌گیرد، احتمال

ارتکاب هرگونه جرمی علیه وی وجود دارد، لیکن ارتکاب برخی از جرائم نسبت به زنان پناهجو هم از حیث میزان موارد ارتكابی و احتمال بالای آن و هم از جهت آثاری که بر زن پناهجو می‌گذارد، از اهمیت بیشتری برخوردارند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

در نوشتار حاضر از روش تحلیل محتوا و مطالعات موردی استفاده خواهد شد در ابتدا، منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در نهایت، تحلیل دقیقی از نتایج به دست‌آمده انجام می‌شود. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به تحقیق و بررسی موضوع پرداخته‌ایم.

یافته‌ها

با تحلیل دقیق اطلاعات و منابع مرتبط، می‌توان یافته‌های زیر را بررسی کرد: نقض حقوق بشر: جرائم علیه زنان پناهجو نشان از نقض حقوق بشر و قوانین بین‌المللی در زمینه حقوق زنان دارند. فقدان حمایت قانونی: برخی زنان پناهجو به دلیل تبعیض و عدم حمایت قانونی، با مشکلات و خطرات بیشتری رو به رو می‌شوند.

بحث

۱. ارتکاب جرائم بین‌المللی نسبت به زنان پناهجو: «جنایات علیه بشریت» و «نسل‌کشی» دو جرم مهم بین‌المللی هستند که در صلاحیت موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارند (۴). در مواردی زنان پناهجو موضوع جرم نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت قرار گرفته‌اند.

۱-۱. جنایات علیه بشریت و زنان پناهجو: جنایات علیه بشریت، جنایاتی هستند که علیه یک جمعیت غیر نظامی

ارتکاب می‌یابند و آنچه آن را مخوف می‌سازد، این است که این جنایات توسط دولت و سایر سازمان‌هایی که دسترسی به قدرت سیاسی دارند، طراحی می‌شود و فرد مرتکب به عنوان بخشی از حکومت مرتکب آن می‌شود. جنایات علیه بشریت، مفهومی وسیع‌تر از ژنوسید (نسل‌زدایی) دارد. در جنایات علیه بشریت، لازم نیست که یک گروه خاص مورد هدف قرار گیرد، بلکه به طور کلی، یک جمعیت غیر نظامی شامل گروه‌های سیاسی و... ممکن است موضوع این جنایات واقع شود. همچنین برخلاف جنایت ژنوسید (نسل‌زدایی)، در جنایات علیه بشریت، هدف مرتکب لزوماً از بین بردن گروه خاصی نیست، بلکه منظور اصلی او اذیت و آزار آن‌ها است.

از جمله جنایات علیه بشریت علیه زنان پناهجو را می‌توان قتل، به بردگی گرفتن، ریشه‌کن کردن، محبوس کردن، شکنجه، خشونت‌های جنسی، ناپدید کردن اجباری اشخاص، اعمال غیر انسانی مشابه را نام برد. هر کدام از این موارد در نظام‌های کیفری واجد وصف مجرمانه هست، اما آنچه چهره زشت‌تری به این اعمال می‌بخشد، ارتکاب منظم آن‌ها در پیشبرد سیاست یک دولت می‌باشد. یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیر نظامی و از جمله زنان پناهجو است که جنایات علیه بشریت نام می‌گیرد (۵). اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا هر دو تجاوز جنسی را به عنوان جنایت علیه بشریت شناسایی کردند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اولین سند بین‌المللی بود که صریحاً انواع مختلف جنایات جنسی و مبتنی بر جنسیت (از جمله تجاوز جنسی، برده‌داری جنسی، تن‌فروشی اجباری، بارداری اجباری، عقیم‌سازی اجباری و دیگر انواع خشونت جنسی) را برشمرد که می‌تواند هم مصداق جنایت علیه بشریت و هم جنایت جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی باشد (۶).

در سال ۲۰۰۸ شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۱۸۲۰ را صادر کرد که در آن اشاره شده بود تجاوز و دیگر اشکال خشونت جنسی می‌تواند مصداق جنایت جنگی، جنایت علیه

بشریت یا یکی از اعمال بنیادین نسل‌کشی باشد (۷). اساسنامه رم که معاهده‌ای بین‌المللی برای تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی است، جنایت علیه بشریت را در ماده ۷ بدین‌نحو تعریف کرده است: «جنایت علیه بشریت» عبارت است از انجام هر یک از اعمال ذیل به عنوان بخشی از یک حمله علیه گروهی غیر نظامی که به شکل گسترده یا سازمان‌یافته صورت بگیرد، با اطلاع از حمله: الف - قتل؛ ب - نابودسازی؛ ج - برده‌سازی؛ د - اخراج یا انتقال اجباری جمعیت؛ ه - محبوس‌ساختن یا دیگر شکل‌های محرومیت شدید از آزادی جسمی که ناقض مفاد اساسی حقوق بین‌الملل باشد؛ و - شکنجه؛ ز - تجاوز جنسی، برده‌کشی جنسی، فحش‌ای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری، یا هر نوع خشونت جنسی دیگر در همان سطح؛ ح - آزار و تعقیب یک گروه یا جمعیت مشخص به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی، به شرحی که در بند ۳ مشخص گردیده یا به دلایل دیگری در سطح جهان بر اساس قوانین بین‌المللی در ارتباط با هر یک از اعمالی که در این بند یا هر جرم دیگری که در حیطه صلاحیت این دیوان باشد به عنوان یک عمل غیر مجاز به رسمیت شناخته شده باشد؛ ط - ناپدیدشدن اجباری افراد؛ ی - جنایت نژادپرستی؛ ک - دیگر اعمال غیر انسانی با خصوصیات مشابه که به قصد واردآوردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب‌رساندن جدی به بدن یا سلامت جسمی یا روانی افراد صورت گیرد. با این تعریف بسیاری از جرائم ارتكابی علیه زنان پناهجو، می‌تواند مصداقی از جنایات علیه بشریت باشد.

کمیسیون وزیران شورای اروپا در ۳۰ آوریل ۲۰۰۲ توصیه‌هایی را در خصوص حفاظت از زنان در مقابل خشونت صادر کرد. در بخش «اقدامات اضافی در خصوص خشونت در وضعیت مخاصمه و پس از مخاصمه»، در بند ۶۹ آمده است که کشورهای عضو باید «تجاوز جنسی، برده‌کشی جنسی، بارداری اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی با شدت مشابه را جرم‌انگاری کرده و آن را مصداق نقض غیر قابل تحمل حقوق بشر، جنایت علیه بشریت،

و در صورت وقوع در بستر مخاصمه مسلحانه، جنایت جنگی تلقی نمایند.

۱-۲. **نسل‌کشی و زنان پناهجو:** جرم بین‌المللی دیگری که احتمال ارتکاب آن نسبت به زنان پناهجو، بسیار زیاد است، جرم نسل‌کشی می‌باشد. نسل‌کشی هرگونه اقدام و مبادرت به نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت یک گروه نژادی، قومی، ملی، مذهبی یا ایدئولوژیکی توسط یک گروه دیگر است (۸). زمانی که تعبیرهای جزئی در مورد نسل‌کشی تغییر می‌کرد، نخستین تعریف قانونی این کردار در بیانیه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ و پیرامون «جلوگیری و مجازات جرم نسل‌کشی» شکل گرفت.

بند دوم این بیانیه تصریح می‌کرد که هرگونه اقدام به نابودی کل یک گروه نژادی، ملی، مذهبی مانند کشتار دسته‌جمعی یک گروه خاص، ایجاد لطمات روانی و جسمانی بر یک گروه ویژه، ضربه‌زدن عمدی به افراد یک گروه خاص، تحمیل معیارهایی برای جلوگیری از تولد فرزندان آن‌ها، جا به جایی اجباری فرزندان گروه‌ها به یکدیگر، طرح‌ریزی برای آسیب‌رساندن به گروهی خاص و... همه از مصداق‌های بارز نسل‌کشی می‌باشند (۹).

کنوانسیون جلوگیری از نسل‌کشی و مجازات آن، مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد. مجمع عمومی متن قرارداد ضمیمه مربوط به جلوگیری از نسل‌کشی را تصویب و به موجب ماده ۱۱ همان قرارداد آن را برای امضا و تصویب و الحاق در دسترس دول می‌گذارد.

طرف‌های متعاقد با در نظر گرفتن اینکه مجمع سازمان ملل متحد به وسیله قطعنامه شماره ۸۶(۱) مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ خود اعلام داشته که نسل‌کشی جنایتی است که نسبت به حقوق بین‌الملل و برخلاف روح و مقصد سازمان ملل بوده و دنیای متمدن چنین عملی را محکوم می‌کند و با اذعان به این که در تمام دوره‌های تاریخ این عمل خسارات بسیاری به عالم انسانیت وارد ساخته است و با اطمینان به اینکه برای رهایی عالم انسانیت از چنین بلای وحشتناک همکاری بین‌المللی ضرورت دارد، با یکدیگر توافق نمودند.

متأسفانه جهان امروز، تجربیات ناگواری از نسل‌کشی زنان پناهنده و پناهجو داشته است. نمونه بارز آن را باید در رواندا مشاهده کرد. تنش‌های قومیتی و درگیری‌های مسلحانه در منطقه دریاچه‌های بزرگ آفریقای مرکزی، علت موارد مکرر جا به جایی انسان‌ها بوده است. این جا به جایی‌ها در ۷۰ سال گذشته ریشه در تاریخ طولانی خشونت دارد، عدم پیگیری راه حل‌های عادلانه برای نارضایتی‌های قدیمی در بسیاری از موارد، سال‌ها یا دهه‌ها بعد، منجر به تکرار خشونت و خونریزی در مقیاسی بزرگ‌تر از قبل شده است.

میراث بحران ۶۳-۱۹۵۹ در رواندا، حضور پناهندگان و پناهجویان توتسی در تمام کشورهای همسایه بود. آن‌ها با انکار امکان بازگرداندن به وطن برای سه دهه آینده، با این وجود ارتباط خود را با توتسی‌ها در رواندا حفظ کردند. در اواخر دهه ۱۹۸۰، توتسی (NRA) پیوسته بود و زمانی که یووری موسونی (Yoweri Museveni) به قدرت رسید، بخشی از نیروهای مسلح ملی اوگاندا را تشکیل داد و جبهه میهنی رواندا را ایجاد کرد (۱۰).

جبهه میهنی در سال ۱۹۹۰ به رواندا حمله کرد. درگیری مسلحانه و فشار سیاسی داخلی متعاقب آن منجر به تقسیم قدرت و توافق آروشا در اوت ۱۹۹۳ شد، اما این توافق هرگز به طور مؤثر اجرا نشد. تنش‌ها بین هوتوها و توتسی‌ها پس از ترور رئیس‌جمهور بوروندی، ملچیر نادادی (Melchior Nadadai)، هوتو (Hututo)، در اکتبر ۱۹۹۳ به شدت افزایش یافت. این منجر به کشتار دسته‌جمعی توتسی‌ها در بوروندی و سپس کشتار دسته‌جمعی هوتوها شد. مرگ بعدی جووینال هابیارimana (Juvénal Habyarimana) رئیس‌جمهور رواندا و رئیس‌جمهور سایپرین نتاریامیرا (Cyprin Ntariamira) از بوروندی در یک تصادف غیر قابل توضیح، در حالی که هواپیمای آن‌ها در ۶ آوریل ۱۹۹۴ به کیگالی پایتخت رواندا نزدیک می‌شد، توسط تندروهای هوتو به عنوان فرصتی برای به دست گرفتن قدرت در رواندا و حمله به توتسی‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

تقریباً ۸۰۰/۰۰۰ نفر بین آوریل تا ژوئیه ۱۹۹۴ در نسل‌کشی پس از آن کشته شدند. اگرچه یک نیروی چندملیتی حافظ

صلح سازمان ملل متحد، مأموریت کمک سازمان ملل متحد به رواندا (Unamir) در اکتبر ۱۹۹۳ با اختیاری محدود در رواندا مستقر شده بود. شکست سازمان ملل و جامعه بین‌المللی در حفاظت از پناهجویان در برابر نسل‌کشی در گزارش سازمان ملل که در دسامبر ۱۹۹۹ منتشر شد، به رسمیت شناخته شد و می‌توان گفت این بزرگ‌ترین جرم و جنایت صورت‌گرفته نسبت به پناهجویان می‌باشد که بخش عمده‌ای از آن‌ها را زنان تشکیل می‌دادند. تا به امروزه بسیاری از زنان پناهجو به دلیل نسل‌کشی از بین رفته‌اند و نمونه رواندا فقط به عنوان یک مورد در این خصوص ذکر گردید.

۲. ارتکاب جرائم داخلی نسبت به زنان پناهجو: منظور از جرائم داخلی، آن دسته از جرائمی است که در وضعیت حاضر به عنوان یک جرم بین‌المللی شناخته نمی‌شود و این رفتارها در نظام‌های حقوق داخلی کشورهای مختلف، جرم‌انگاری شده است، البته بدیهی است که برای مقابله با بسیاری از این جرائم، مثل قاچاق زنان پناهجو، اقدامات هماهنگ بین‌المللی بین کشورها، صورت می‌گیرد.

۱-۲. خشونت جسمی و روانی نسبت به زنان پناهجو: یکی از مهم‌ترین جرائم ارتكابی نسبت به زنان پناهجو، خشونت جسمی و روانی می‌باشد. خشونت یک پدیده جهانی است که هر سال منجر به مرگ بیش از ۱/۶ میلیون نفر می‌شود و آن را به یکی از علل اصلی مرگ و میر در سراسر جهان تبدیل می‌کند. همچنین توجه به این نکته مهم است که مرگ و میر تنها بخشی از مشکلات سلامتی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند به معنا و تعریف خشونت نسبت داده شود. همچنین منجر به آزار غیر کشنده، جنسی و روانی می‌شود. روان‌شناسی عوامل خشونت را موارد بسیاری می‌داند، اما بدون هیچ شکی مهم‌ترین ریشه و دلیل خشونت به عوامل درونی و سلامت روان افراد باز می‌گردد و البته عوامل و علل بیرونی نیز در آن تأثیرگذار است. خشونت از نظر لغوی به معنای اعمال زور و تهدید است (۱۲) و معادل انگلیسی آن «Violence» می‌باشد. از نظر اصطلاحی به استفاده از زور فیزیکی یا کلامی به منظور قراردادن دیگران در وضعیتی

برخلاف خواسته‌شان خشونت گفته می‌شود. در تعریف ارائه‌شده از خشونت آمده است که «استفاده عمدی از زور یا قدرت فیزیکی، تهدید به اعمال زور و یا به کارگیر عملی زور، علیه خود، شخص دیگر یا علیه یک گروه یا جامعه که منجر به جراحت، مرگ، آسیب روانی یا محرومیت می‌شود را خشونت می‌گویند» (۱۳). در یک تعریف با قلمرو وسیع‌تر «خشونت عبارت است از اقدام علیه جسم، جان، شرف، مال، حقوق فطری، طبیعی، اجتماعی و معنوی فرد، افراد، هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی» (۱۴). خشونت نسبت به زنان پناهجو در بیشتر موارد در قالب یک رفتار مجرمانه بروز می‌نماید، البته در مواردی نیز رفتار خشن توسط شخص پناهجو نسبت به خودش اعمال می‌شود و در قالب خودزنی و یا خودکشی، خود را نشان می‌دهد که در بیشتر موارد جرم تلقی نمی‌شود.

یکی از رایج‌ترین انواع خشونت نسبت به زنان پناهجو، خشونت کلامی است که به روش‌های گوناگونی انجام می‌شود. خشونت کلامی می‌تواند شامل ناسزا، دشنام، داد، فریاد و... باشد (۱۵). زنان پناهجو در بیشتر دوره پناهجویی با خشونت‌های کلامی متعددی رو به رو هستند.

خشونت غیر کلامی، هرگونه رفتاری به صورت غیر مستقیم و غیر کلامی در قالب خشونت را شامل می‌شود. از جمله خشونت‌های غیر کلامی می‌توان به قتل، ضرب و جرح، خشونت جنسی، خشونت روانی، خشونت نوشتاری اشاره کرد. خشونت علیه زنان پناهجو به مراتب بیشتر از خشونت علیه مردان است. تفاوت‌های شناختی و فیزیولوژی در مردان و زنان منجر به جلب توجه عموم به خشونت علیه زنان پناهجو شده است. خشونت جنسی و فیزیکی علیه مردان بسیار کمتر از زنان رخ می‌دهد (۱۶).

خشونت فیزیکی نسبت به زنان پناهجو، شامل قتل، ضرب و جرح، سوزاندن، کشیدن موها، بستن، زندانی کردن، حتی کوبیدن بسیار محکم در و محرومیت غذایی و... می‌شود. خشونت روانی از طریق تهدید و تحت فشار قراردادن زنان پناهجو به طرق متعددی صورت می‌گیرد و زنان پناهجو به طور مداوم با این نوع از خشونت رو به رو هستند. اشکال بسیار

شدید خشونت علیه زنان پناهجو در قالب جرائم بین‌المللی و از جمله نسل‌کشی مشاهده شده است که تعداد زیادی از زنان پناهجو کشته شده‌اند و یا شکنجه شده و یا اینکه امکان تولید مثل از آن‌ها گرفته شده است.

۲-۲. جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت علیه زنان

پناهجو: بدون تردید، مهم‌ترین جرائم ارتكابی علیه زنان پناهجو، جرائم جنسی هستند. اعمال زور و فشار در خصوص اعمال جنسی شکل دیگری از خشونت است که معمولاً بر روی خانم‌ها اعمال می‌شود. تجاوز جنسی آسیب‌زننده‌ترین نوع خشونت برای زنان محسوب می‌شود. خشونت جنسی شامل درخواست‌های نا به جا و خارج از عرف از شریک جنسی را نیز دربر می‌گیرد (۱۵). خشونت جنسی یک مشکل جدی حقوق بشری و مرتبط با سلامت عمومی در سراسر جهان است که پیامدهای منفی جسمی، اجتماعی، اقتصادی، روانی، جنسی و تولید مثلی فراوانی را به همراه دارد (۱۷). این معضلی است که خانواده‌ها، زنان و کودکان را در جوامع مختلف در سطح جهان تحت تأثیر قرار داده و آن را به موضوع مهمی تبدیل کرده است که باید برای سیاست‌گذاران، جرم‌شناسان، حقوقدانان و مددکاران اجتماعی و طیف وسیعی از متخصصان دیگر، مورد توجه قرار گیرد. خشونت جنسی در انواع زمینه‌ها، از جمله در روابط صمیمانه و توسط افرادی بدون رابطه زوجیت در خانواده‌ها و جوامع انجام می‌شود (۱۸). از نظر ارتکاب، خشونت جنسی بیشتر توسط مردان انجام ارتکاب می‌یابد. زنان و دختران، در سراسر جهان قربانی اصلی خشونت جنسی هستند (۱۹) در بین این جمعیت «از جمله اشخاصی که موضوع خشونت جنسی هستند، پناهجویان می‌باشند» (۲۰). آنچه در نهایت مهم است، «شناسایی فرد آسیب‌دیده از خشونت جنسی به عنوان یک قربانی است» (۲۱) که در بیشتر موارد نیز یک زن است. تخمین زده می‌شود که در میان زنان در سراسر جهان، ۳۵ درصد خشونت فیزیکی و یا جنسی را تجربه کرده‌اند، اگرچه اندازه‌گیری شیوع خشونت جنسی دشوار است، زیرا آمارها اغلب بر منابع داده‌هایی مانند گزارش‌های پلیس و مطالعات برخی از نهادهای مانند

سازمان‌های غیر دولتی تکیه دارند و تنها بخش کوچکی از موارد خشونت جنسی گزارش شده است. خشونت جنسی در بسیاری از محیط‌ها در حکم یک تابو است و به دلایل احتمالی متعددی مانند ترس از اینکه مورد باور جامعه قرار نگیرد یا اینکه خود بزه دیده مورد سرزنش قرار نگیرد، افشای آن توسط مرتکب صورت نمی‌گیرد، لیلجا (Lilja) و همکاران (۲۰۲۰ م.) و ویتز، مینکین و کایل (Withers, Minkin and Kyle) (۲۰۱۹ م.) توضیح می‌دهند که خشونت جنسی موضوعی است همراه با شرم و تحقیر است و اغلب محور بحث در مورد مقصردانستن بزه‌دیده است تا اینکه مرتکب، مورد سرزنش قرار گیرد. شیوع قربانیان خشونت جنسی نشان می‌دهد که افراد زیادی مرتکب خشونت جنسی می‌شوند. طبق گفته فاکاتی (Fakati) «پیشگیری بهتر از درمان است» (۲۲) و این جمله زیربنای این پژوهش است. اولویت در حمایت از زنان پناهجو در قبال خشونت جنسی، در اقدامات پیشگیرانه است. ارتکاب خشونت جنسی علیه زنان پناهجو غیر قانونی بیشتر است. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد سندی را در مورد حمایت از پناهجویان در قبال خشونت جنسی به تصویب رساند و از دولت‌ها خواست اقداماتی را برای جلوگیری از خشونت جنسی در میان سایر موارد اتخاذ کنند (۲۳). این یک واقعیت است که: «خشونت جنسی نسبت به پناهجویان بسیار شایع است و نیاز به توسعه راهبردهای پیشگیری دارد» (۱۷). در مورد تعریف «خشونت جنسی» در میان بازیگران این حوزه اتفاق نظر همه‌جانبه‌ای وجود ندارد. متخصصان مختلف پدیده‌های یکسانی را با استفاده از اصطلاحات مختلف توصیف می‌کنند یا انواع مختلف خشونت جنسی را با استفاده از اصطلاحات مشابه توصیف می‌کنند. عباراتی مانند تجاوز جنسی، سوءاستفاده جنسی، آزار و اذیت جنسی وجود دارد که ممکن است اعمال مختلفی را شامل شود، از این رو مهم است که در مورد تعاریف به ویژه در هنگام تحقیق در مورد پیشگیری و برنامه‌ریزی روشن باشیم (۱۷، ۲۴). قربانیان خشونت جنسی اغلب از زنان و کودکان هستند و خشونت جنسی در سراسر جهان، در محل کار، خانه‌ها، مدارس، کافه‌ها، شهرها، مناطق روستایی، طبقات بالا و پایین جامعه

انجام می‌شود، اما نسبت به زنان پناهجو به دلیل شرایط خاص آن‌ها احتمال ارتکاب بیشتری دارد.

خشونت جنسی شامل تجاوز جنسی در روابط خارج از ازدواج و ازدواج و همچنین توسط غریبه‌ها و آشنایان است. این تعریف همچنین شامل آزار جنسی و سوءاستفاده جنسی از کودکان یا افراد دارای معلولیت است. خشونت جنسی در انواع زمینه‌ها و در سراسر جهان انجام می‌شود. ممکن است در یک رابطه دوستانه و توسط فردی که قربانی وی را می‌شناسد و یا توسط افراد غریبه انجام شود (۲۴). همچنین متخصصان و افراد صاحب قدرت ممکن است مرتکب خشونت جنسی باشند. قربانیان خشونت جنسی کودکان، جوانان، بزرگسالان و حتی سالمندان هستند (۲۵)، هرچند بیشتر زنان مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرند. زنان پناهجو ممکن است در طول سفر از کشور خود، در گذرگاه‌های مرزی، در اردوگاه‌ها و حمل و نقل تا کشور مقصد، خشونت‌های جنسیتی و آزار جنسی را تجربه کنند. خشونت جنسی نسبت به زنان پناهجو یکی از اشکال طیف گسترده خشونت است. زندگی در کمپ‌های موقت می‌تواند خطرناک باشد، به عنوان مثال سرویس‌های بهداشتی و حمام‌های مشترک بین مردان و زنان در کمپ‌ها، بر اساس مطالعه‌ای که انجام شد، خطر خشونت جنسی را به شدت افزایش می‌دهند. «در بیشتر موارد نیز مجرمان بدون مجازات باقی می‌مانند.» خشونت جنسی نسبت به زنان پناهجو یکی از اشکال طیف گسترده خشونت است. زندگی در کمپ‌های موقت می‌تواند خطرناک باشد، به عنوان مثال سرویس‌های بهداشتی و حمام‌های مشترک بین مردان و زنان در کمپ‌ها، بر اساس مطالعه‌ای که در خطر خشونت جنسی را به شدت افزایش می‌دهند.

زنان پناهجو در تمامی مدت پناجویی و به طور دائم در معرض ارتکاب این جرائم قرار دارند. جرائم جنسی نسبت به پناهجویان از حیث مرتکبین دارای وضعیت بسیار خاصی می‌باشد و حتی اشخاصی که در راستای تکالیف قانونی و بین‌المللی باید به زنان پناهجو کمک نمایند، در موارد متعددی به این زنان تجاوز کرده‌اند. مصادیق متعددی از تجاوز

پلیس و نیروهای مرزبانی و مأموران مهاجرتی به زنان پناهجو وجود دارد و ادعاهای متعددی در این خصوص مطرح شده است. خشونت جنسی، خشونت مبتنی بر جنسیت و خشونت علیه زنان اصطلاحاتی هستند که معمولاً به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. همه این اصطلاحات به نقض حقوق اساسی بشر اشاره دارد که نقش‌های کلیشه‌ای جنسی را تداوم می‌بخشد که کرامت انسانی و تعیین سرنوشت فرد را نفی می‌کند و رشد انسانی را مختل می‌کند. آن‌ها به آسیب‌های جسمی، جنسی و روانی اشاره می‌کنند که انقیاد زن را تقویت می‌کند و قدرت و کنترل مرد را تداوم می‌بخشد.

در حالی که خشونت مبتنی بر جنسیت تأثیر مخربی بر زندگی زنان و دخترانی دارد که اکثر قربانیان/ بازمانده‌ها هستند، اما مانع رشد مردان و پسران نیز می‌شود. حذف خشونت مبتنی بر جنسیت و نابرابری‌های جنسیتی به تقویت کل جوامع کمک می‌کند.

اصطلاح خشونت مبتنی بر جنسیت برای تشخیص خشونت رایج از خشونت‌هایی که افراد یا گروه‌هایی از افراد را بر اساس جنسیت آن‌ها هدف قرار می‌دهد، استفاده می‌شود. خشونت مبتنی بر جنسیت توسط کمیته رفع تبعیض علیه زنان به عنوان خشونت تعریف شده است که بر اساس جنسی یا جنسیت علیه یک فرد انجام می‌شود. این شامل اعمالی است که باعث آسیب یا رنج جسمی، روحی یا جنسی، تهدید به چنین اعمالی، اجبار و سایر محرومیت‌های آزادی می‌شود.

اصطلاح خشونت علیه زنان به هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت اطلاق می‌شود که منجر به آسیب جسمی، جنسی و روانی به زنان و دختران شود یا احتمالاً منجر به آسیب‌های جسمی، جنسی و روانی به زنان و دختران شود، چه در خلوت و چه در ملا عام رخ دهد. خشونت علیه زنان نوعی خشونت مبتنی بر جنسیت است و شامل خشونت جنسی نیز می‌شود. خشونت جنسی، از جمله استثمار و آزار، به هر عمل، تلاش یا تهدیدی با ماهیت جنسی اطلاق می‌شود که منجر به آسیب جسمی، روانی و عاطفی می‌شود یا ممکن است منجر شود. خشونت جنسی نوعی خشونت مبتنی بر جنسیت است.

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل از مفهومی بسیار فراگیر از خشونت جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت استفاده می‌کند که تشخیص می‌دهد، اگرچه اکثر قربانیان/بازماندگان زن و کودک هستند، پسران و مردان نیز هدف خشونت جنسی و جنسیتی هستند (۲۵).

تعریف گسترده‌ای از خشونت جنسی و جنسیتی که توسط کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و شرکای اجراکننده استفاده شده است، به شرح زیر است: بر اساس مواد ۱ و ۲ اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد حذف خشونت علیه زنان (۱۹۹۳ م.) و توصیه ۱۹، بند ۶ از یازدهمین جلسه کمیته رفع تبعیض علیه زنان: «... خشونت مبتنی بر جنسیت، خشونتی است که بر اساس عوامل جنسی یا جنسیت بر علیه یک فرد انجام می‌شود. این شامل اعمالی است که باعث آسیب یا رنج جسمی، روحی یا جنسی، تهدید به چنین اعمالی، اجبار و سایر محرومیت‌های آزادی می‌شود، در حالی که زنان، مردان، پسران و دختران می‌توانند قربانی خشونت مبتنی بر جنسیت شوند، زنان و دختران قربانیان اصلی هستند» و شامل موارد زیر است، هرچند محدود به موارد زیر نیست:

خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی که در خانواده رخ می‌دهد، از جمله کتک‌زدن، بهره‌کشی جنسی، سوءاستفاده جنسی از کودکان در خانه، خشونت‌های مربوط به جهیزیه، تجاوز به زناشویی، ناقص کردن دستگاه تناسلی زنان و سایر اعمال سنتی مضر برای زنان، خشونت غیر همسری و خشونت مربوط به استثمار (۲۶).

خشونت جسمی، جنسی و روانی که در جامعه عمومی رخ می‌دهد، از جمله تجاوز جنسی، سوءاستفاده جنسی، آزار و اذیت جنسی و ارباب در محل کار، در مؤسسات آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و فحش‌ای اجباری.

خشونت جسمی، جنسی و روانی که توسط دولت و مؤسسات عمومی رخ داده و در بیشتر موارد به این نوع از خشونت توجهی نمی‌شود.

خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت عمده‌تاً ریشه در روابط نابرابر قدرت دارد. این‌ها خشونت را در خانواده، جامعه و دولت

تداوم می‌بخشد و از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کند. تمایز ایجادشده بین حوزه عمومی و خصوصی نباید بهانه‌ای برای عدم پرداختن به خشونت خانگی به عنوان نوعی از خشونت جنسی باشد. طرد زنان و دختران از عرصه عمومی تنها آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر خشونت در خانواده افزایش می‌دهد. خشونت خانگی تبعیض جنسیتی را تقویت می‌کند و زنان را تابع مردان نگه می‌دارد. خشونت جنسی و جنسیتی بسیار فراتر از تجاوز جنسی و جنسیتی است. برای درک علل و پیامدهای اصلی آن، تعریف و تمایز بین اصطلاحات جنسیت و جنسی ضروری است. اصطلاح جنسیت به خصوصیات بیولوژیکی نر و ماده اشاره دارد. این خصوصیات مادرزادی هستند و تفاوت آن‌ها به عملکردهای تناسلی فیزیولوژیکی محدود می‌شود. جنسیت اصطلاحی است که برای نشان‌دادن ویژگی‌های اجتماعی اختصاص داده‌شده به مردان و زنان به کار می‌رود. این ویژگی‌های اجتماعی بر اساس عوامل مختلفی مانند سن، مذهب، خاستگاه ملی، قومی و اجتماعی ساخته می‌شوند. آن‌ها هم در درون و هم بین فرهنگ‌ها متفاوت هستند و هویت‌ها، موقعیت‌ها، نقش‌ها، مسئولیت‌ها و روابط قدرت را در میان اعضای هر جامعه یا فرهنگی تعریف می‌کنند. جنسیت از طریق اجتماعی‌شدن آموخته می‌شود. ایستا یا ذاتی نیست، بلکه برای پاسخ به تغییرات در محیط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تکامل می‌یابد (۲۷).

مردم زن یا مرد به دنیا می‌آیند (جنس)؛ آن‌ها یاد می‌گیرند که چگونه دختر و پسر باشند و سپس زن و مرد شوند (جنسیت). جنسیت به معنای پسر یا دختر، زن یا مرد بودن در یک جامعه یا فرهنگ خاص است. جامعه نگرش‌ها، رفتارها، نقش‌ها و فعالیت‌های مورد انتظار را آموزش می‌دهد. جنسیت نقش‌ها، مسئولیت‌ها، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و امتیازات مردان و زنان را در هر زمینه‌ای تعریف می‌کند. این رفتار آموخته‌شده به عنوان هویت جنسی شناخته می‌شود.

زنان در سرتاسر جهان معمولاً در مقایسه با مردان هم سطح اجتماعی و اقتصادی در موقعیتی نامطلوب قرار دارند. نقش‌ها و هویت‌های جنسیتی معمولاً شامل نابرابری و عدم تعادل قدرت بین زنان و مردان است. خشونت علیه زنان و پذیرش

زنان در مقایسه با مردان مجبور به قرارگرفتن در موقعیت‌های زیردست می‌شوند.»

۳. عوامل مؤثر در ارتکاب جرائم علیه زنان پناهجو: ساختار حقوقی نظام حقوق بین‌الملل و کشورها و قوانین و مقررات حاکم بر حوزه پناهندگی و مهاجرات و حمایت از پناهجویان به نحوی است که ارتکاب جرم علیه پناهجویان زن را از یک طرف تسهیل کرده و از طرف دیگر برخورد لازم با مرتکبان صورت نمی‌گیرد.

۳-۱. عدم پذیرش وضعیت پناهجویی در حقوق بین‌الملل: امروزه در حقوق بین‌الملل، وضعیت قبل از پذیرش پناهندگی چندان مورد حمایت نیست، در حالی که تمامی مقررات و اسناد بین‌المللی مرتبط با حوزه «پناهندگی» است، لیکن وضعیت «پناهجویی» به طور مستقل در حقوق بین‌الملل، مورد حمایت قرار نگرفته است. جرائم ارتکابی علیه پناهجویان زن، کلیشه‌سازی نقش‌های جنسیتی را تداوم می‌بخشد که کرامت انسانی فرد را نفی می‌کند و مانع رشد انسان می‌شود. اکثریت قریب به اتفاق قربانیان و بازماندگان خشونت جنسی و مبتنی بر جنسیت زنان و دختران پناهجو هستند، در حالی که پناهجویی مورد حمایت صریح حقوق بین‌الملل نمی‌باشد. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به عنوان آژانس پناهندگان، موظف به ارائه حمایت بین‌المللی از پناهندگان است. بنابراین کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل همراه با کشورها، مسئولیت تضمین حفاظت از پناهندگان در برابر خشونت و جرائم را بر عهده دارند، در حالی که پناهجویان از این حمایت برخوردار نیستند.

۳-۲. نقض حقوق بشر: نقض حقوق بشر نسبت به پناهجویان زن، عامل مهمی در ارتکاب جرائم علیه آن‌ها می‌باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و از نظر حیثیت و حقوق برابر هستند.»

پیشگیری و پاسخ به خشونت جنسی و جنسیتی به طور مستقیم با حمایت از حقوق بشر مرتبط است. حقوق بشر جهانی، غیر قابل تفکیک، تقسیم‌ناپذیر، به هم پیوسته و وابسته به یکدیگر است. هر فردی بدون توجه به نژاد، رنگ، جنس،

آن در جامعه و فرهنگ یکی از مظاهر این نابرابری و عدم تعادل قدرت است. یک طرح جامع پیشگیری و واکنش باید بر نقش‌ها و نیازهای زنان و مردان تمرکز کند و اینکه چگونه هر دو می‌توانند عامل تغییر شوند. تمرکز فقط بر روی زنان هنگام پرداختن به خشونت جنسی و جنسیتی، مسئولیت پیشگیری و واکنش را بر عهده قربانیان/بازماندگان می‌گذارد.

خشونت وسیله‌ای برای کنترل و سرکوب است که می‌تواند شامل نیروی عاطفی، اجتماعی یا اقتصادی، اجبار یا فشار و همچنین آسیب جسمی باشد. خشونت می‌تواند آشکار، به شکل حمله فیزیکی یا تهدید شخصی با سلاح باشد. همچنین می‌تواند مخفیانه باشد، به شکل ارباب، تهدید، آزار و اذیت، فریب یا سایر اشکال فشار روانی یا اجتماعی. فردی که هدف این نوع خشونت قرار می‌گیرد، مجبور می‌شود مطابق انتظار رفتار کند یا از ترس بر خلاف میل خود عمل کند (۲۸).

«حادثه خشونت‌آمیز»، عمل یا مجموعه‌ای از اعمال زیانبار مرتکب یا گروهی از مرتکبین علیه شخص یا گروهی از افراد است و ممکن است شامل انواع متعدد و اعمال مکرر خشونت در یک دوره زمانی با مدت زمان متغیر باشد. ممکن است چند دقیقه، ساعت، روز یا یک عمر طول بکشد.

«سوءاستفاده» نوعی استفاده نادرست از قدرت است که از طریق آن مرتکب کنترل یا مزیت مورد آزار را با استفاده و ایجاد آسیب جسمی یا روانی یا تحریک ترس از آن آسیب، به دست می‌آورد. سوءاستفاده افراد را از تصمیم‌گیری آزاد بازمی‌دارد و آن‌ها را مجبور می‌کند برخلاف میل خود رفتار کنند.

«اجبار» عبارت است از مجبورکردن یا تلاش برای وادارکردن شخص دیگری به انجام رفتارهایی با استفاده از تهدید، اصرار کلامی، دستکاری، فریب، انتظارات فرهنگی یا قدرت اقتصادی برخلاف میل خود می‌باشد (۲۹).

«خشونت علیه زنان» تجلی روابط قدرت نابرابر تاریخی بین زنان و مردان است که منجر به سلطه و تبعیض علیه زنان توسط مردان و جلوگیری از پیشرفت کامل زنان شده است و خشونت علیه زنان یکی از مکانیسم‌های مهمی که توسط آن

قطعه نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۰۰ م.) بر مسئولیت دولت‌ها برای پایان دادن به مصونیت از مجازات جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی، از جمله خشونت جنسی و سایر اشکال خشونت علیه زنان و دختران تأکید می‌کند.

کمیته اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، نسبت به خشونت‌های مرتبط با جنسیت و همه اشکال تبعیض جنسیتی را که به زنان و دختران پناهنده و پناهجو انجام می‌شود، ابراز تأسف می‌کند و از دولت‌ها می‌خواهد که تضمین کنند که حقوق بشر و تمامیت جسمی و روانی آن‌ها محافظت می‌شود و از این حقوق آگاه می‌شوند. سازمان ملل متحد، سازمان‌های حقوق بشر و بشردوستانه مسئولیت حمایت از حقوق بشر را با دولت‌ها به اشتراک می‌گذارند. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد موظف است از پناهندگان حمایت بین‌المللی کند و به دنبال راه حل‌های پایدار برای مشکلات آن‌ها باشد. بنابراین کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و دولت‌ها، مسئولیت تضمین حفاظت از پناهجویان در برابر خشونت جنسی و جنسیتی را بر عهده دارند.

منظور از حفاظت، همه اقدامات با هدف تضمین دسترسی برابر و برخورداری از حقوق زنان، مردان، دختران و پسران مورد توجه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، مطابق با نهادهای قانونی مربوطه (بین‌المللی بشردوستانه، حقوق بشر و حقوق پناهندگان) می‌باشد. در محیط‌هایی که هیچ اقدامی برای پیشگیری و پاسخ به خشونت جنسی و جنسیتی انجام نشده است، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد باید رهبری هماهنگی و ایجاد برنامه‌های حمایتی و کمکی را به عنوان بخشی از فعالیت‌های اصلی خود به عهده بگیرد. این شامل حمایت از حقوق پناهندگان، توصیه به کشورها در مورد چگونگی انطباق قوانین ملی خود به گونه‌ای است که با استانداردهای بین‌المللی مطابقت داشته باشد، و اقداماتی برای به حداقل رساندن خطر قاچاق انسان، خطری که با درخواست پناهجویی، افزایش می‌یابد.

زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا موقعیت، حق دارد از کلیه حقوق اساسی بشر احترام، حمایت، اعمال و برخوردار شود. دولت‌ها موظفند برخورداری یکسان از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی زنان و مردان، دختران و پسران را تضمین کنند.

اعمال خشونت جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت، تعدادی از اصول حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر را نقض می‌کند. از جمله این موارد عبارتند از:

- حق زندگی، آزادی و امنیت شخص.
- حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل دستیابی سلامت جسمی و روانی.
- حق آزادی از شکنجه یا رفتار یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز.
- حق آزادی حرکت، عقیده، بیان و اجتماع.
- حق انعقاد ازدواج با رضایت کامل و آزادانه و برخورداری از حقوق مساوی در ازدواج، در حین ازدواج و در زمان انحلال.
- حق آموزش، امنیت اجتماعی و توسعه فردی.
- حق مشارکت فرهنگی، سیاسی و عمومی، دسترسی برابر به خدمات عمومی، کار و دستمزد برابر برای کار برابر.
- عدم توجه به این حقوق نسبت به پناهجویان زن، زمینه را برای ارتکاب جرم نسبت به آن‌ها فراهم می‌کند.
- چندین سند بین‌المللی به طور خاص به خشونت جنسی و جنسیتی علیه زنان و دختران می‌پردازد. کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب مجمع عمومی در سال ۱۹۸۱، اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد رفع خشونت علیه زنان، مصوب مجمع عمومی در سال ۱۹۹۳ و اعلامیه پکن و به تصویب رسید. در پکن در سال ۱۹۹۵، تمامی اشکال تبعیض به عنوان خشونت علیه زنان و دختران را دربر می‌گیرد و مسئولیت دولت‌ها برای تلاش برای از بین بردن آن‌ها را مجدداً تأیید می‌کند. اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی با شدت مشابه را جنایت علیه بشریت تعریف می‌کند.

- قوانین یا رویه‌های اجرایی حامی مردان در نظام‌های عدالت کیفری کشورهای میزبان و مبدأ.

نتیجه‌گیری

ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی زنان پناهجو یک چالش مهم در حقوق بشر و حقوق زنان است. این جرائم، شامل تجاوز جنسی، خشونت جنسی، خشونت فیزیکی، ضرب و شتم و قتل علیه زنان پناهجو می‌شود. این اقدامات نه تنها نقض قوانین بین‌المللی در حقوق زنان است، بلکه باعث آسیب‌های جسمانی و روانی جدی برای زنان پناهجو می‌شود. با توجه به این نتایج، لازم است تدابیری اتخاذ شود تا از ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی زنان پناهجو جلوگیری شود. این تدابیر می‌تواند شامل تقویت قوانین حقوق بشر و حقوق زنان، افزایش آگاهی جامعه درباره حقوق زنان و خطراتی که زنان پناهجو با آن رو به رو هستند و ایجاد سیستم‌های حمایتی و پشتیبانی برای زنان پناهجو شامل مراکز پناهندگی و خدمات روان‌شناختی باشد. تأمین امنیت تمامیت جسمانی زنان پناهجو و حقوق آن‌ها نیازمند همکاری بین‌المللی و هماهنگی بین کشورها و سازمان‌های مربوطه است. باید تلاش بیشتری صورت گیرد تا از ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی زنان پناهجو جلوگیری شود و زنان پناهجو در محیطی امن و محافظت‌شده به سر برند.

مشارکت نویسندگان

زهرا انصاری فر: نگارش مقاله و جمع‌آوری داده‌ها.

سمیرا گلخندان: گردآوری منابع.

اکبر رجبی: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی بر مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

عدم رعایت حقوق بشر نسبت به پناهجویان زن، آن‌ها را در یک وضعیت ضعیف و شکننده قرار می‌دهد و این یک عامل مهم حقوقی در ارتکاب جرم نسبت به زنان پناهجو است.

۳-۳. ساختار قوانین و مقررات: قوانین و ساختارهای حاکم بر جامعه بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند. چارچوب قانونی و اقدامات در کشور میزبان و کشور مبدأ بسیار مهم هستند. بخش مهمی از جرائم ارتكابی علیه زنان پناهجو ریشه در ساختار قوانین و مقررات بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی کشورهای درگیر در مسأله پناهجویی زنان قرار دارد. از جمله ساختارهای قانونی مؤثر در بزه‌دیدگی زنان پناهجو می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تبعیض و چشم‌پوشی از خشونت جنسی و جنسیتی و سایر جرائم ارتكابی علیه زنان پناهجو.
- عدم حمایت قانونی از حقوق زنان.
- فقدان قوانین علیه خشونت جنسی و جنسیتی.
- عدم اعتماد به مقامات انتظامی.
- اعمال قوانین و مقررات عرفی و سنتی علیه زنان.
- اعمال تبعیض جنسیتی در قوانین.
- بی‌حساسیتی عمومی و فقدان کمپین‌های حمایتی در محکومیت جرائم علیه زنان پناهجو.
- عدم محکومیت خشونت جنسی و جنسیتی.
- رویه تبعیض‌آمیز در اجرای عدالت و اجرای قانون.
- گزارش کم جرائم ارتكابی علیه زنان پناهجو و عدم اعتماد به اجرای عدالت.
- عدم تمایل به تعقیب مؤثر همه موارد گزارش‌شده به مسئولین.
- تعداد کم پیگردهای به دست‌آمده به نسبت تعداد موارد گزارش‌شده.
- غیر قابل دسترس بودن پلیس و دادگاه‌ها برای پناهجویان.
- عدم حضور مأموران مجری قانون زن.
- کمبود منابع و تجهیزات اداری توسط دادگاه‌های محلی و مقامات امنیتی.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. UNHCR. Refugee Protection and Sexual Violence. No Date. Available at: <https://www.unhcr.org/excom/exconc/3ae68c6810/refugee-protection-sexual-violence.html>. Retrieved January 17, 2020.
2. Van Hear N, Crisp J. Refugee protection and immigration control addressing the asylum dilemma. *Refugee Survey Quarterly*. 1998; 17(3): 1-27.
3. Gilad L. The Northern Route: An Ethnography of Refugee Experiences. Newfoundland: Institute of Social and Economic; 1990.
4. Mouszadeh R. Principles of International Criminal Law. Tehran: Mizan Publications; 2022. [Persian]
5. Mousavi SM. Crimes against humanity in generations of international criminal courts with an emphasis on the former Yugoslavian court. *Qanun Yar*. 2019; 2(8): 427-442. [Persian]
6. Casse A, Costa P, Big L, Phan M, Gosnell K, Whiting A. Cassese's International Criminal Law. Translated by Piran H. Tehran: New Publishing House; 2022. [Persian]
7. Ardabili MA. International Criminal Law: Selected Articles. Tehran: Mizan Publications; 2017. [Persian]
8. Kriangsak K. International Criminal Law. Translated by Yousefian B, Esmaili M. Tehran: Samt Publications; 2016. [Persian]
9. Shariat Bagheri MJ. International Criminal Law. Tehran: Jangal: Javadane Publications; 2017. [Persian]
10. Cutts M. The State of the World's Refugees 2000, Fifty years of humanitarian action. Geneva: Published by the United Nations High Commissioner for Refugees; 2000.
11. Boutroue J. Missed Opportunities: The Role of the International Community in the Return of the Rwandan Refugees from Eastern Zaire', Working Paper, no.1. Cambridge: Inter University Committee on International Migration, Massachusetts Institute of Technology, Center for International Studies; 1998.
12. Moin M. Farhang Moin (one volume). 2nd ed. Tehran: Zarin Publications; 2007. [Persian]
13. Labibi MM. Sociology of Violent Crimes. Tehran: Naqd Afkar Publishing Company; 2017. [Persian]
14. Hosseini Dastanai SN. Violent Crimes. Tehran: Iranian Institute of Successful Thought; 2016. [Persian]
15. Rahmatian AA. Violence against women. Qom: Jabari Publications; 2012. [Persian]
16. Mayer S, Roberson K. The study of violent crime: Its correlates and concerns. Translated by Javanbakht M. Tehran: Majd Publications; 2015. [Persian]
17. De Schrijver L, Vander Beken T, Krahé B, Keygnaert I. Prevalence of Sexual Violence in Migrants, Applicants for International Protection and Refugees in Europe: A Critical Interpretive Synthesis of the Evidence. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 2018; 15(9): 1979.
18. World Health Organization. Sexual violence. Understanding and addressing violence against women. Geneva: WHO; 2012.
19. Sexual Violence Resource Center, N. Sexual Violence & Transgender/Non-Binary Communities. National Sexual Violence Resource Center; 2019.
20. De Oliveira Araujo J, Mattos de Souza F, Proença R, Lisboa Bastos M, Trajman A, Faerstein E, Faerstein Rua Sacopã E. Prevalence of sexual violence among refugees: A systematic review. *Revista de Saúde Pública*. 2019; 53(78): 1-15.
21. Cowburn M, Myers S. Social work with sex offenders: Making a difference. Bristol: Bristol University Press, Policy Press; 2016.
22. Phakathi M. Prevention is better than cure. *World Health Organization. Bulletin of the World Health Organization*. 2009; 87(5): 328-329.
23. UNHCR. Sexual Violence against Refugees: Guidelines on Prevention and Response. Geneva: World Health Organization Publications; 1995.
24. Dahlberg LL, Krug EG. Violence: A Global Public Health Problem, World Report on Violence and Health. *Lancet*. 2002; 360(9339): 1083-1088.
25. Bows H. Sexual Violence against Older People: A Review of the Empirical Literature. *Trauma, Violence and Abuse*. 2017; 19(5): 567-583.
26. Campbell R, Dworkin E, Cabral G. An ecological model of the impact of sexual assault on women's mental health. *Trauma, Violence and Abuse*. 2009; 10(3): 225-246.
27. Freedman J. Sexual and gender-based violence against refugee women: A hidden aspect of the refugee "crisis". *Reproductive Health Matters*. 2016; 24(47): 18-26.
28. Freccero J, Biswas D, Whiting A, Alrabe K, Seelinger KT. Sexual exploitation of unaccompanied migrant and refugee boys in Greece: Approaches to prevention. *PLOS Medicine*. 2017; 14(11): e1002438.

29. Filippov V, Atabekova A, Yastrebov O, Belousov A, Lutskovskaya L. Didactic dimensions to ensure refugee minors' protection against sexual abuse within European refugee crisis. Eurasia Journal of Mathematics, Science and Technology Education. 2017; 13(8): 5205-5215.